

پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی‌ام‌وسی ویکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

ابعاد مثبت و منفی درآمد نفت در پروسه توسعه ایران از آغاز تا کنون

علی اکبر مطهر^۱

چکیده

مقاله حاضر به دنبال بررسی نقش مثبت نفت در ایجاد مدرنیزاسیون در کشور و ضرورت تغییر ماهیت توسعه کشور از وارداتی به دانش‌بنیان و بومی است. در مورد نفت و آثار اقتصاد نفتی مقالات و کتب متعددی نوشته شده است. برخی از پژوهشگران به توسعه وابسته به نفت و ابعاد منفی آن توجه کرده اند ولی کمتر به جنبه مثبت آن اشاره نموده‌اند. خلأ یک پژوهش مبتنی بر نگاه متعادل و جامع در رابطه با نفت و توسعه نفتی باعث ضرورت این نوشتار شد. روش پژوهش حاضر کتابخانه‌ای می‌باشد. سؤال این مقاله این است که آیا واقعا بدون ورود درآمدهای نفت به اقتصاد کشور از آغاز پهلوی اول به بعد، ایران جامانده از روند پیشرفت جهانی می‌توانست فرآیند توسعه خود را آغاز کند؟ فرضیه مقاله حاضر آن است که گرچه روند توسعه و پیشرفت کشور و ورود مظاهر مدرنیته همگی وارداتی غرب بود و پیشرفت کشور ناشی از تحول داخلی و درون‌زا نبود؛ اما بدون پول نفت ایران حتی نمی‌توانست همین مظاهر مدرنیته وارداتی را داشته باشد. اگرچه پول نفت صرف واردات مظاهر مدرنیته در عصر پهلوی شد اما طی سه دهه بعد از انقلاب روند توسعه وارداتی به توسعه بومی تغییر جهت داد و امروزه با استفاده صحیح و جامع از منابع مادی و انسانی می‌توان یک تحول درون‌زای علمی و پیشرفت بومی را فراهم نمود. روند پیشرفت کشور ناشی از توسعه و مدرنیزاسیون وارداتی دوران پهلوی به پیشرفت درون‌زای بومی متکی به جوانان کشور رسیده است. لازم است پول نفت تدریجاً از بودجه جاری کشور خارج شود و اقتصاد دانش‌بنیان جایگزین آن شود. تأکید پژوهش بر این است که جایگزینی اقتصاد نفتی با اقتصاد دانش‌بنیان امروزه یک ضرورت است نه یک انتخاب اختیاری و باید قطار پیشرفت کشور روی ریل بومی‌گرایی قرار گیرد.

واژگان کلیدی: درآمد نفت، توسعه، اقتصاد نفتی، مدرنیزاسیون، اقتصاد دانش‌بنیان

مقدمه:

موضوع نفت و توسعه نفتی در ایران از موضوعاتی است که بسیاری از پژوهشگران درباره آن نوشته اند. از جمله دکتر کاتوزیان، دکتر آبراهامیان و دکتر سریع القلم و سایر نویسندگان این حوزه به نقش نفت در اقتصاد ایران و توسعه نفتی کشور اشاره داشته اند. اما کمتر مشاهده شده است که اشاره شود که بدون نفت ایران عقب مانده عصر قاجار بدون زیرساخت اقتصادی و مالی و علمی چگونه می‌توانست پیشرفت کند. دلیل اهمیت و ارتباط

پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی ام و سی و یکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

موضوع این مقاله با موضوع پیشرفت کشور این است که تا گذشته خود را خوب درک نکنیم آینده خوبی را هم نمی توان ترسیم نمود. باید از تجارب گذشته درس گرفت و آینده را بر اساس تجارب گذشته ساخت و اشتباهات گذشته را مجدد تکرار نکرد. سابقه بحث نفت به طور کلی میتوان به دو موضع نویسندگان و پژوهشگران درباره نفت تقسیم میگردد. سابقه پژوهشی پیرامون این موضوع توسط دکتر کاتوزیان و آبراهامیان درباره رابطه سیاست و نفت در قبل و بعد از انقلاب بحث شده است. اما در این باره موضوع این مقاله از حیث نوع نگاهش به مسئله نفت کمی متفاوت است. از این جهت متفاوت است که تاثیرات زیربنایی وجود درآمدهای نفتی را درباره توسعه ایران و جامعه ایران بحث می نماید. در دهه های ابتدایی، نظریات استعماری نوسازی (مدرنیزاسیون) و در دهه های متأخر نظریات پسامدرن توسعه (نظریات مشارکت محور و توسعه از پایین)، در مقابل ایده های فرعی مثل نظریات وابستگی و جنبش های استقلال خواهانه دست بالا را یافتند. غرب علی رغم این که موفقیت های بیشماری در زمینه ایجاد ایده های تازه در مستعمرات سابق داشته، هنوز درگیر جنگ درونی خشونت بار بر سر استثمار مستعمرات است و علاوه بر آن با بحران های ساختاری متناوب مواجه است. در جهان سوم نیز وضعیت چندان مناسب نیست و مشکلات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی همچنان به قوت خود باقی است. ادبیات توسعه در این کشورها دچار مسئله ای به نام وابستگی به نفت است. به این معنا که همان روایتی که وابستگی به نفت را در ابتدا بیان کرد و راه توسعه را تنها خام فروشی نفت نشان داده بود، ناگهان همین وابستگی به نفت را عامل و مسبب همه بدبختی های تاریخی ملل فروشنده نفت معرفی می کند. نفت به خودی خود عامل هیچ چیزی نیست؛ نفت فقط یک کالا است، نه یک قدرت مابعدالطبیعی که اتوماتیک توسعه ایجاد کند یا از آن طرف تنها علت عقب ماندگی باشد. باید موضع خود را نسبت به ثروت خدادادی نفت روشن نمود. عده ای نفت را یک نعمت وعده ای دیگر نفت را یک بلیه بر کشور میدانند که سالهاست اقتصاد کشور را وابسته به خود کرده است. این مقاله نظرش این است که نفت یک نعمت الهی است که سالها به روند توسعه کشور کمک نموده است. با درآمد نفت زیرساخت های اقتصادی کشور ساخته شده است. با درآمد نفت مردم به مدرسه و دانشگاه رفته اند و امروزه اکثریت جامعه ایران با سواد و بخش اعظمشان تحصیل کرده دانشگاهی و با استعداد های فراوان هستند. اگر نفت و درآمدهای نفتی هنوز در اقتصاد کشور حضور دارد؛ نه به دلیل وجود خود نفت بلکه به علت سیاست گذارانی است که به درآمد نفتی عادت کرده اند و طی سالهای متعدد روند وابستگی به نفت را نه تنها کم نکردند که افزایش هم دادند. در سالهای اخیر با توجه به تحریم نفتی کشور و کاهش مصنوعی و سیاسی قیمت نفت برای فشار بر ایران سیاستگذاران به فکر کاهش وابستگی درآمدهای نفتی شده اند که البته این روند زمانبر است و نیاز به یک برنامه ریزی مدون و منطقی دارد که هم چرخ امورات کشور بچرخد و هم وابستگی به نفت کاهش یابد.

پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی ام و سی و یکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

باید گفت که نفت^۱ در کشور ایران واژه آشنایی است و نزدیک به صدسال است که بخشهای مختلف زندگی مردم ایران راتحت تاثیر قرار داده است. نفت در اقتصاد ایران که زیربنای تمام تحولات داخلی ایران معاصر است بسیار نقش کلیدی دارد. روند آبادانی و پیشرفت ایران پس از سقوط صفویه متوقف شد. از دوران قاجار، حضور و جولان بیگانگان و استعمار در ایران نیز بر فقر و فلاکت و عقب ماندگی ایران مضاعف گردید. ایران عصر قاجار در تمام زمینه ها از نظامی تا اقتصادی و علمی و... بسیار عقب مانده بود. نفت و درآمدهای اندک نفتی در دوران پهلوی اول و عزم رضاخان برای زدودن چهره عقب مانده و سنتی عصر قاجار باعث ورود شتابان مظاهر مدرنیته غربی به ایران شد. اشتباه رضاخان آن بود که در روند مدرنیزاسیون^۲، به استعداد های داخلی و اعتقادات و باورهای مذهبی مردم کشورش بی اعتنا بود و به غلط عامل عقب افتادگی ایران را در دین و حجاب میدانست البته روند توسعه وابسته در عصر پهلوی دوم ادامه یافت. پس از انقلاب سعی شد به جای توسعه وابسته به خارج درهمه نیازهای کشور خود کفاشی و امروزه روند توسعه دانش بنیان در علوم مختلف به ثمر نرسانده که نیاز است اقتصاد نفتی جای خود را به اقتصاد دانش بنیان بدهد. در این مقاله طی چند فصل تصویر کلی و جامعی از توسعه و وارداتی عصر پهلوی ارائه داده می شود و سپس به دوران بعد انقلاب و شرایط کنونی اشاره می گردد. در نتیجه گیری به ارائه بندی مباحث مطرح شده و راهکارهای آینده توسعه و پیشرفت کشور اشاره می گردد. فصل بندی و عنوان بندی مباحث به شرح ذیل است:

- فصل اول ترسیم شرایط جامعه در پایان عصر قاجار و آغاز روند مدرنیزاسیون دوران پهلوی اول

- فصل دوم دوران مدرنیزاسیون در پهلوی دوم تا انقلاب ۵۷

- فصل سوم روند توسعه و پیشرفت بومی از انقلاب ۵۷ تا امروز

- جمع بندی و ارائه راهکار

فصل اول: ترسیم شرایط جامعه در پایان عصر قاجار و آغاز روند مدرنیزاسیون دوران پهلوی اول

هر چند در اصول مشروطیت ترقی کشاورزی، صنعت و تجارت برای بهبود معیشت مردم صراحتاً لحاظ شده بود و اساساً اضمحلال اقتصاد ملی ایران در دنیای نوین استعماری یکی از زمینه های اصلی شوریدن بر خودکامگی دربار و در انداختن طرح مشروطیت بود، با این همه پس از پیروزی مشروطیت آنچه کمتر از هر چیز مورد اصلاح و تحول قرار گرفت، اقتصاد بود (آبادیان، ۱۳۸۳: ۷۶). پس از مشروطه سرنوشت اقتصاد ایران همچنان به پریشانی رقم خورد و در کشاکش رقابتهای سیاسی داخلی و خارجی، تاریخ ایران پس از مشروطه بحرانهای اقتصادی بزرگی را تجربه کرد (عیسوی، ۱۳۶۹: ۱۲۵). طرحها و برنامه های موقت اقتصادی مجلس مشروطه عملاً کاری از پیش نبردند و نتوانستند ساختار متناسب و مستحکمی برای اقتصاد ایران ایجاد کنند و سرانجام

1 - Oil

2 - Modernization

پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی‌ام‌وسی و یکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

همه چیز با هم در گردابی مهیب فرو رفت. (مروارید، ۱۳۷۷: ۲۹) روند تحولات اقتصادی ایران در سده نوزدهم، کشور را به سمت وابستگی و ایفای یک نقش حاشیه‌ای در معادلات بین‌المللی سوق داد. دولت‌های پس از مشروطه به دلیل وابستگی و وخامت اوضاع اقتصادی، با شرایطی بحرانی روبرو شدند. در این شرایط، تصمیمات دولتمردان و مصوبات مجلس هم نتوانست از وخامت اقتصادی بکاهد و در نتیجه بحران اقتصادی، مانعی اساسی در راه استقرار نظام دموکراتیک مشروطه به وجود آورد و سرانجام سبب آسیب‌پذیری آن شد. (فوران، ۱۳۷۷: ۲۱۱)

فرجام و سرنوشت مشروطیت در ایران، نشان می‌دهد که این انقلاب به خاطر انحراف از مسیر اصلی در نهایت به شکست انجامید. انقلاب هیچ تحول اساسی در وضع اجتماعی و اقتصادی مردم پدید نیاورد و حکومت مشروطه به دست طرفداران نظام استبدادی افتاد. از این رو علیرغم وقوع انقلاب، در ماهیت حکومت ایران و عناصر تشکیل‌دهنده آن تغییر اساسی رخ نداد. در خصوص دلایل شکست و ناپایداری انقلاب مشروطه، تاکنون نظریات گوناگونی ارائه شده‌اند. (شمیم، ۱۳۷۸: ۱۴۷) برای نمونه، جان فوران شکنندگی ائتلاف شکل‌گرفته در انقلاب مشروطه را دلیل شکست این انقلاب می‌داند و با تکیه بر الگوی وابستگی که محور تحلیلهای وی در مورد ایران را شکل می‌دهد، به نقش عامل خارجی اشاره می‌کند. او معتقد است "بعد از پایان یافتن ائتلاف مشروطه خواهان مخالف سلطنت، کسانی که نهایتاً از خارج ضامن وابستگی ایران بودند، گام پیش نهادند و با مداخله خود، به حفظ نظام استبدادی و سرکوب نهضت مردمی پرداختند". (فوران، ۱۳۷۷: ۲۲۰) عبدالهادی حائری به دخالت‌های دول استعماری در سرکوبی انقلاب مشروطه اشاره می‌کند: "... آن دو قدرت (روسیه و انگلستان) با هرگونه جنبش آزادی‌بخشی که پشتوانه اصالت آن توده‌های گسترده مردم ایران بودند، متحدانه به مخالفت و مبارزه می‌ایستادند؛ زیرا آن جنبشها، منافع آنها را به خطر می‌انداخت...". (سیف، ۱۳۸۰: ۵۱) در سرکوبی انقلاب مشروطه و یک نظام مشروطه واهی و مهارشده دست استبدادگران را جایگزین آن کردن، هیچ‌گونه ناسازگاری میان آن دو دولت بیگانه وجود نداشت. "برخی پژوهشگران نیز عوامل اقتصادی - اجتماعی را در ناپایداری نظام مشروطه در ایران موثر می‌دانند.

۱-۱- موانع اقتصادی تداوم و پایداری نظام مشروطه در ایران

تحول از نظام استبدادی به مشروطه، تحولی پیچیده و درازمدت است که شکل‌گیری آن پیش‌شرط‌های خاصی می‌طلبد. ژرژ سورن سن در کتاب «دموکراسی و دموکراتیزه کردن...»، پیش‌شرط‌های زیر را برای تحقق دموکراسی لازم دانسته است: ۱- نوگرایی و ثروت: در این زمینه، تحلیلهای تجربی فراوانی وجود دارند که موبد این نظریه هستند ۲- فرهنگ سیاسی: در پاره‌ای از فرهنگها، سلسله‌مراتب اقتدار و عدم تساهل از اهمیت بیشتری برخوردارند. روشن است این فرهنگها به میزان کمتری مشوق مردم‌سالاری خواهند بود ۳-

پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی‌ام‌وسی ویکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

ساختارهای اجتماعی جامعه و نقش گروهها و طبقات ۴- عوامل خارجی: نظریه پردازان نوگرایی از نفوذ عامل خارجی به عنوان عامل مثبت در راستای رشد مردم سالاری یاد می کنند، اما نظریه پردازان وابستگی، برعکس بر این باورند که نابرابری و مشکلات اقتصادی و اجتماعی جهان سوم، در واقع برخاسته از وابستگی آنها به نظام اقتصاد جهانی هستند و این امر امکان رشد مردم سالاری را بسیار مشکل می کند. (سورن سن، ۱۳۸۱: ۷۸) در میان این پیش شرطها، اولین پیش شرط - یعنی ثروت - از اهمیت بیشتری برخوردار است و می تواند در تاثیرگذاری سایر پیش شرطها هم نقش آفرین باشد. برای نمونه شرایط مطلوب اقتصادی و ثروت می تواند میزان وابستگی به عامل خارجی را کاهش داده و حتی محو نماید. ماکس وبر^۱ نیز به اهمیت عامل اقتصادی در پیدایش یک نظام جدید تاکید نموده و معتقد است وجود یک سیستم دائمی مالیاتی که به صورت متمرکز و مستقیماً تحت مراقبت قرار داشته باشد، یکی از پیش شرطهای اساسی نوسازی در یک کشور است؛ (وبر، ۱۳۶۹: ۱۶۵) عاملی که در ایران عصر قاجاریه جایگاهی نداشت. اقتصاد ایران در دوران قاجاریه وضعیت مطلوبی نداشت. در این دوران که عواملی چون رقابتهای استعماری، تجارت آزاد، تکنولوژی جدید، دموکراسی سیاسی و بسیاری مسائل جدید دیگر ظهور کرده بودند، اقتصاد ایران نیز همانند سیاست آن به عدم تعادل دچار شد. (قائم مقامی، ۱۳۵۹: ۹۷) به دنبال از دست رفتن پاره‌ای مناطق، نقشه جغرافیایی، انسانی و طبیعی کشور تغییر کرد و باعث کاهش قدرت سیاسی، محدودتر شدن ظرفیت تولید، تضعیف بازار داخلی و افزایش واردات شد. (سیف، ۱۳۷۳: ۸۹) سقوط سریع بهای نقره در سه دوره آخر سده نوزدهم میلادی، کسری پرداختها و تورم را تشدید کرد. در این میان، افزایش جمعیت نیز به عامل دیگری در کاهش سطح زندگی توده مردم تبدیل شد. در واقع ایرانیان در رویارویی با تکنولوژی جدید، به جای اینکه به فراگیری و انطباق آن با شرایط خاص کشور بپردازند، صرفاً به مصرف کننده محصولات تکنولوژی نوین تبدیل شدند. (سورن سن، ۱۳۸۱: ۸۵) عمده ترین شاخصهای سوق یافتن روند تحولات اقتصادی ایران در سده نوزدهم به سمت وابستگی و حاشیه‌ای شدن را چنین می توان برشمرد: تبادل مواد خام و اولیه ایران (تریاک، برنج، پنبه، توتون، تنباکو، ابریشم، پشم و...) با فرآورده‌های صنعتی اروپا، کنترل اروپاییان بر تجارت، تحمیل شرایط کامله الوداد در قراردادهای تجاری توسط دول بزرگ، کسب امتیازات اقتصادی و معافیت‌های گمرکی توسط دولت‌های استعماری. (اشرف، ۱۳۵۹: ۱۴۲)

۲-۱- پهلوی اول: شبه مدرنیسم دولتی:

بعد از گذر از دوران مشروطه وارد فضای بعدی می شویم. که دوران حکومت رضاشاه پهلوی را در بر می گیرد. این دوره رخدادها و وقایع میان سال‌های ۱۳۰۰ تا ۱۳۲۰ را پوشش می دهد. اواخر دوران مشروطه و قبل از

پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی‌ام‌وسی‌ویکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

پادشاهی رضاخان، وضعیت کشور آشفته بود: «فقدان وحدت ملی، تضاد سیاسی، آشفتگی و فقر اقتصادی، ناامنی و فساد در سیستم اداری» حاکی از وضعیت نابسامان ایران در این زمان داشت. در اواسط آذرماه ۱۳۰۴ مجلس موسسان برای تغییر قانون اساسی و تعیین پادشاه جدید تشکیل شد. رضاخان پهلوی در افتتاحیه سخنرانی کرد و پادشاه شد. پس از به روی کار آمدن رضاخان، وی اقداماتی برای افزایش قدرت خود، به انحصار قدرت سیاسی و یکدست کردن حاکمیت پرداخت. در دوره رضاشاه برای اولین بار خارجی‌ان به طور آشکار در عزل و نصب‌ها دخالت می‌کردند. (سیف، ۱۳۸۰: ۶۶) استراتژی‌های رضاشاه در خصوص اقتصاد نیز موارد زیر بود:

۱- وام‌نگرفتن از خارجی‌ان

۲- بودجه متوازن

۳- وارد نشدن پول نفت در بودجه

در بخش کشاورزی، شاهد آن بودیم که خرید و فروش زمین در این دوره باعث انحراف سرمایه‌ها از صنعت و کشاورزی به زمین‌بازی شد. مساله‌ای که امروزه نیز همچنان شاهد آن هستیم و می‌بینیم که این مساله قدمتی طولانی دارد. در صنعت، به علت عدم امنیت اقتصادی و تصاحب املاک و زمین‌ها توسط عمال دولتی و سودآوری کمتر صنایع، سرمایه‌های بخش خصوصی کمتر در صنایع به کار افتاد و سرمایه‌گذاران بیشتر در بازرگانی و خدمات مشغول به فعالیت شدند. (آدمیت، ۱۳۵۵: ۵۸) زیرا این گونه فعالیت‌ها:

۱- سودآوری بیشتری داشت.

۲- برگشت سرمایه سریعتر بود.

۳- به سرمایه اولیه کمتری نیاز داشت.

۴- نقدینگی چنین فعالیت‌هایی بیشتر بود.

در خصوص تجارت باید گفت از ویژگی‌های مهم بازرگانی این دوره ۲۰ ساله، عوض شدن ترکیب واردات به نفع کالاهای صنعتی و واسطه‌ای بود. سهم کالاهای سرمایه‌ای از واردات از ۳ درصد در سال‌های ۱۳۰۶-۱۲۷۹ به ۱۲ درصد در سال ۱۳۰۷ و سرانجام به حداکثر خود در سال ۱۳۱۷ یعنی به ۳۳ درصد رسید. جمعیت ایران در سال ۱۳۰۰، ۱۱/۴۷ میلیون نفر بود که به ۱۴/۷۶ میلیون نفر در سال ۱۳۲۰ می‌رسد. آموزش و پرورش نیز در این دوران به وجود آمد. (صفایی، ۱۳۷۰: ۱۰۲) نهاد جدید آموزش و پرورش در ایران در سال ۱۳۰۴ تا ۱۳۰۹ پایه‌ریزی شد. نظام مکتب‌خانه‌ای که مهمترین نهاد آموزش و پرورش بود، جای خود را به این نظام سپرد. در نظام جدید، ۱۲ سال تحصیلی وجود داشت. ۶ سال اول در مدرسه ابتدایی سپری می‌شد و دوره ۶ ساله دبیرستان به تقلید از فرانسه از دو سیکل تشکیل می‌شد (نقیب زاده، ۱۳۷۹: ۱۲۹). پس از آن مدارس فنی، دانشگاه، دانشکده‌ها و غیره یکی پس از دیگری تاسیس شد. همچنین نقطه عطف آموزش عالی در ایران تاسیس

پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی‌ام‌وسی ویکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

دانشگاه تهران بود که رضاشاه آن را در ۱۵ بهمن ۱۳۱۳ پایه‌گذاری کرد. تعداد دانشجویان آموزش عالی از ۲۰۵ نفر در سال ۱۳۰۰ به ۴۵۱ در سال ۱۳۱۰ و ۲۳۹۵ نفر در سال ۱۳۲۰ شمسی رسید. (عباسی، ۱۳۸۳: ۵۵) احداث اولین راه‌آهن در ایران در سال ۱۳۰۶ به طول ۱۳۹۴ کیلومتر و ۵۰ متر بود. که دو دریای جنوب و شمال کشور را به هم وصل می‌کرد. یکی از خصوصیات این طرح این بود که دولت بدون وام و کمک خارجی آن را به اتمام رساند. و منابع مالی آن از طریق مالیات بر قند و شکر و چای و کسری آن نیز از طریق وام‌های بانکی و اعتبارات دولتی تامین شد. در خصوص سیاست‌های پولی و ارزی در این دوران باید گفت که در سال ۱۳۰۷ دولت تصمیم گرفت، پایه پولی طلا را بپذیرد. قبل از این پایه پولی ایران، نقره بود. (ملائی، ۱۳۸۱: ۳۵) همچنین ایران از جمله اولین کشورهایی بود که با وضع قوانین کنترل خرید و فروش ارز، محدودیت ارزی برقرار کرد. ویژگی‌های کلی بودجه در این زمان، این بود که درآمدهای دولت با هزینه‌های دولت تقریباً برابری داشته و گاهی نیز مازاد بودجه نیز وجود داشت. توجه به بودجه عمرانی نیز از دیگر ویژگی‌های بودجه این دوران است. در طول این دوره کل هزینه‌های دولت تقریباً ۱۵۰ درصد رشد داشته است. اینم در حالی است که تفکرات حاکم بر اندیشه‌های اقتصادی در دنیا، دستخوش تغییراتی بود. (ابریشمی، ۱۳۷۵: ۱۱۵) در این دوران در سطح جهانی، شاهد تفکرات اقتصادی جدیدی هستیم. تفکر اقتصاد کلان و اقتصاد کینزی به وجود می‌آید در اوایل دهه ۱۹۳۰ کینز با ارایه تئوری عمومی خود و تاکید بر تقاضای موثر، حضور دولت و سیاست‌های طرف تقاضا در اقتصاد را توجیه می‌کند. ولی همچنان تاکید بر ابعاد فیزیکی و در واقع رشد اقتصادی است. و شاید بتوان گفت که افزایش دخالت دولت در ایران در این دوران، تحت تاثیر اندیشه‌های اقتصادی زمان خود بوده است. (سیف، ۱۳۷۳: ۶۱) دوران مذکور دارای فراز و فرودهای بسیاری در عرصه اقتصادی است که به صورت اجماع به آنها پرداخته شود اما فعالیت‌های نفر اول حکومت در آن دوران در بسیاری موارد در تقابل با تاثیرات مثبت فعالیت‌های قرار گرفت که از آن جمله می‌توان به حذف رجال نامی دوران از عرصه سیاسی - اقتصاد، کشف حجاب، محدودیت‌های اجتماعی - مذهبی و همچنین میل بی‌پایان رضاشاه به داشتن زمین اشاره نمود چنان که در پایان این دوران بیش از ۵۲۰۰ سند زمین به نام او به ثبت رسیده بود. (وطنخواه، ۱۳۸۰: ۳۷)

فصل دوم: روند مدرنیزاسیون در پهلوی دوم تا انقلاب ۵۷

۱-۲- اقتصاد سیاسی رژیم پهلوی:

اقتصاد ایران از جمله بخش‌هایی که در طول دوران گذشته کمتر تحول تأثیرگذار و درون‌زایی را در آن شاهد بوده‌ایم. اقتصاد ایران در یک دوره طولانی بر بخش کشاورزی و تولید کالاهای سنتی متکی بوده است و اگر در دوره‌هایی احداث برخی از کارخانجات مورد توجه قرار گرفته‌اند نه تنها این تولیدات بومی نشدند بلکه به طور

پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی‌ام‌وسی ویکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

پراکنده و در نقاط خاصی متمرکز بوده‌اند. شاید همان گونه که بیشتر محققان تاکید کرده‌اند، مشکل اصلی جامعه ایران و بالطبع اقتصاد را استبداد تشکیل می‌داد. (عظیمی، ۱۳۷۴: ۴۱) شاه به هر کس می‌خواست می‌بخشد و از هر کس می‌خواست سلب مالیت می‌کرد و بنابراین فقدان امنیت جانی و مالی نبود تضمین کافی حقوق مالکیت مانع رونق اقتصادی و تجمع ثروت و ابداع و نوآوری و در نتیجه گسترش تولیدات صنعتی گردید امری که در اروپای صنعتی رد یک سیر تاریخی اصلاح شده و با چاره‌اندیشی مناسب متفکران آن رفته رفته توسعه اقتصادی را به وجود آورده است. وجود منابع رانتهی فراوان نیز این امر را تشدید کرده است. به طوری که با افزایش درآمدهای نفتی میزان قدرت انحصاری رژیم حاکم افزایش و با افزایش قدرت انحصاری میزان پاسخ‌گویی به مردم و ذی‌نفع‌های اقتصادی نیز کاهش می‌یافته است. این پدیده را می‌توان در قالب مباحث رانتیریسیم و دولت‌های رانتهی^۱ مورد بحث و بررسی قرار داد. منابع عظیم رانتهی در دهه ۵۰ چنان قدرتی به شاه داده بود که به آسانی و از طریق توزیع فرصت‌های رانتهی برای جلب حمایت نخبگان و دولتمردان همفکر خود و در نتیجه ثبات بیشتر حکومت از آن استفاده می‌کرد. (کاتوزیان، ۱۳۸۰: ۱۰۶)

بررسی‌های تاریخی اقتصاد در دوران پهلوی نشان می‌دهد که دولت فاقد مدیریت و نظم ساختاری برای پیشبرد روند توسعه و ایجاد نهادهای مورد نیاز توسعه بود. ساخت اقتداری رژیم شاه حضور گروه‌ها و افراد سودجو و منفعت طلب در قدرت، عمل کردن در جهت طبقات ماقبل سرمایه‌داری، اقتدار و دیکتاتوری شخصی، عدم نهادسازی مناسب در جهت توسعه و در نتیجه اصلاحات ارضی ناقص (جدای از اهداف این اصلاحات) از جمله مواردی است که نشان دهنده عدم وجد اراده کافی برای پیشبرد توسعه^۲ در دولت پهلوی می‌باشد. (کاتوزیان، ۱۳۷۷: ۲۵۲) به طور کلی سه ویژگی استبداد، فساد سیاسی و اداری و دخیل بودن ملاحظات سیاسی و رویاهای بلند پروازانه در برنامه‌های اقتصادی و عدم استقلال نهادهای اقتصادی و برنامه‌ریزی، کنترل کامل بخش خصوصی از یک طرف و شیوع فساد مالی و استفاده از اموال عمومی در جهت منافع شخصی، گسترش رانت اقتصادی در میان درباریان و اعطای مناصب اداری و پروژه‌ها و امتیازات اقتصادی از طرف دیگر هرگونه مجالی را برای توسعه و نوآوری از بین می‌برد. به مجموعه این عوامل می‌توان دخالت‌های گاه و بیگاه شاه در برنامه‌ی توسعه که ناشی از رویاهای بلند پروازانه وی و توهم حرکت به سوی دروازه‌های تمدن بزرگ بود را افزود. (کاتوزیان، ۱۳۷۲: ۲۴۶).

1 -Rentier states

2 -Development

پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی ام و سی و یکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

۲-۲- اصلاحات و توسعه اقتصادی در دوره (۱۳۵۷-۱۳۴۱)

این دوره از تاریخ اقتصادی ایران تحولات و بحرانهای فراوانی را در بر می گیرد. تدوین و ارائه طرح انقلاب سفید (لویح دوازده گانه) که به انقلاب شاه و ملت معروف بود شرایط اقتصادی، سیاسی و اجتماعی خاصی را بر ایران حاکم کرد. بخش کشاورزی از طریق اصلاحات ارضی توسعه گسترده ای یافت و روابط و مناسبات ارباب رعیتی در جهت روابط و مناسبات سرمایه داری قرار گرفت و مزارع کشت و صنعت، قطب های کشاورزی، شرکتهای سهامی زراعی با روش جدید کشاورزی یکی پس از دیگری پدید آمدند. «مقصود واقعی از این اصلاحات ایجاد نظام جدیدی از درون نظام قدیمی بود به گونه ای که به بهترین وجه در خدمت منافع بورژوازی وابسته و در حال رشد داخلی و سرمایه انحصاری غرب قرار گیرد. قرار بود شاه با وارد کردن بخش کشاورزی ایران در اقتاد ملی جهانی و با فراهم آوردن امکان رشد کشت و صنعت و تبدیل کشاورزان از جا کنده شده و اضافی به اومپن پرولتاریا و گروهی از کارگران صنعتی به عنوان یک پیوند دهند عمل کند. مقصود از برنامه اصلاحات ارضی نیز این بود که کشاورزان به دو گروه دارای زمین و فاقد زمین تقسیم شوند و شانس وحدت کشاورزان و دست زدن به یک انقلاب دهقانی کاهش یابد». (معدل، ۱۳۸۲: ۶۸)

اصلاحات ارضی در چند مرحله به اجرا در آمد اما جنبه اصلاحات کشاورزی برناه اصلاحات ارضی ضعیف بود بنابراین در پایان اجرای این برنامه اهداف این طرح تحقق نیافت. این اهداف عبات بوند از: " رشد و توسعه امور زراعی و کشاورزی در جهت تأمین نیازمندی های مردم و کاهش وابستگی ایران به محصولات کشاورزی وارداتی. این اهداف نه تنها تحقق نیافت بلکه نیاز ایران به واردات کشاورزی را افزون تر کرد." یعنی ۱۵ سال بعد از انقلاب شاه و ملت روستایی و روستاهای ایران به واردات مواد غذایی از خارج وابسته بودند و روز به روز این وابستگی بیشتر می شد. «تا جایی که به ادعای منابع خارج میزان واردات کشاورزی در فاصله سال های ۱۳۵۶ تا ۱۳۵۷ با افزایش ۱۴ درصدی رو به رو بوده است». این واقعیت که قبل از اصلاحات ارضی ایران یکی از صادرکنندگان مواد غذایی بود بیشتر ما را به تعجب وا می دارد. (گزارشگران سازمان ملل و پژوهندگان غربی که درباره اصلاحات ارضی به تحقیق و تفحص پرداخته اند در مورد شکست این اصلاحات گزارش می دهند که فقیرتر شدن میلیونها روستایی، سیر صعودی بیکاری، کار با مزد کم در طی دهه ی ۱۹۶۰ و آبیاری ناکافی. رشد فرآورده های کشاورزی در سال تنها دو درصد بود، حال آنکه سالانه سه درصد بر تعداد جمعیت و شش درصد بر خرج زندگی افزوده می شد. در سال ۱۹۸۶ برای نخستین بار دولت شروع به واردات گندم برای تغذیه مردم کرد. بنابراین می توان گفت که عملکرد بخش کشاورزی چندان چشمگیر نبود. این اصلاحات کامل نبودند. اصلاحات ارضی وضعیت کشاورزان بدون زمین را تغییر نداد، این عده مستاجرین زمین بودند که صرفا کار خود را در معرض فروش قرار می دادند و کارگران با حقوق ثابت یا موقتی بودند. این گروه ۴۰ تا ۵۰ درصد از افراد

پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی‌ام‌وسی و یکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

روستایی را در بر می‌گرفت. بخش صنعت در این دوره با برنامه‌ها و طرح‌های گسترده‌ای که از طرف اقتصاد جهانی ارائه می‌شد تغییرات وسیعی را شاهد بود. حمایت‌های همه جانبه دولت از بخش از دهه ۴۰ به بعد افزایش یافت. «به تدریج رشته‌های صنعتی گوناگون با برخورداری از حمایت‌های همه جانبه دولت و مشارکت مستقیم و غیر مستقیم شرکت‌های انحصاری خارجی تأسیس شد. صنایع اتومبیل‌سازی و صنایع تولید رنگ، دارو، فرآورده‌های پتروشیمی، لاستیک رادیو و تلویزیون و غیره عرصه‌های مختلف فعالیت صنعتی در ایران را تسخیر کردند».

بخش صنعت که محور اصلی توجه به مدیریت سیاسی و برنامه‌های عمرانی بودند در این دوره از رشد و توسعه قابل توجهی برخوردار شد. در سال ۱۳۴۷ رشد صنعتی به ۱۴ درصد و در سال ۳-۱۳۵۲ به ۱۷ درصد رسید و بیشتر واحدهای صنعتی از رشد بالایی برخوردار شدند. در اواخر این دوره حدود دو میلیون نفر در واحدهای تولید صنعتی مشغول به کار شدند و نسبت اشتغال در بخش صنعت از ۱۹/۹ درصد به ۳۰ درصد رسید. تولیدات صنایع مصرفی از قبیل پارچه بافی، سیمان و قند چندین برابر افزایش یافت. تولیدات پارچه‌های نخی بین سال‌های ۱۳۳۸ تا ۱۳۵۱ به ۷ برابر رسید و به کشورهای همسایه نیز صادر شد. کارخانه‌های تولید کننده کالاهای مصرفی، واسطه‌های سرمایه‌بر و سنگین یکی پس از دیگری در قطب‌های صنعتی و اقتصادی کشور تأسیس شد و نیروهای ماهر و غیر ماهر شهری و مهاجرین روستایی را جذب کرد. خصوصیت عمده این نوع صنایع مصرفی بودن و وابستگی آنها از نظر مواد اولیه، قطعات، ماشین آلات نیروی انسانی متخصص و در نتیجه وابستگی تولید به خارج بود. اگر در دوره‌های تاریخ گذشته مراکز صنعتی (نخست روسیه و انگلیس و آلمان و به ویژه آمریکا) و انحصارهای فراملیتی تداوم و صادرات نفت خام و واردات کالا به ایران را با توسل به وسایل گوناگون دنبال می‌کردند. اکنون با ساختاری شدن وابستگی در صنعت نفت و دیگر بخش‌های صنعت، کشاورزی و خدمات، نیروهای داخلی و دلالتان سودجو برای ادامه حیات خود بر تداوم مصف و ادامه روابط اقتصادی به روال گذشته تاکید کرده و وابستگی را بیش از پیش توسعه می‌دادند (کاتوزیان، ۱۳۷۷: ۱۴۹).

اگر چه بخش صنعت در این سالها تغییرات زیادی را شاهد بوده است ولی ماهیت آن مانند دوره‌های گذشته تحت تأثیر سه عامل اصل یعنی دولت، درآمد حاصل از فروش نفت و اقتصاد جهانی قرار داشت. دولت تمام سرمایه گذاری بخش صنایع سنگین و سرمایه بر را خود بر عهده داشت و سایر سرمایه گذاری‌ها نیز زیر نظر دولت صورتی می‌گرفت. فروش نفت به خصوص در این دوره از اهمیت بالایی در پیشبرد طرح‌های اقتصادی داشته است. به دنبال افزایش بهای نفت در اوایل دهه ۵۰ بلند پروازی‌های حرکت به سوی تمدن بزرگ اثرات خود را بیشتر از گذشته نشان می‌داد. از طرفی دیگر صنعت ایران مانند سایر کشورهای پیرامونی

پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی‌ام‌وسی و یکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

تحت تاثیر مستقیم رشد و گسترش اقتصاد جهانی قرار داشت. برنامه‌ای توسعه عمرانی ایران بر اساس توصیه‌های سازمان‌های و مؤسسات بین‌المللی و جوامع زیر نفوذ اقتصاد جهانی تنظیم شد و ام‌ها و کم‌های اقتصادی، نظامی و سیاسی این سازمان‌ها، پایه و اساس رشد و توسعه اقتصاد سرمایه داری پیرامونی و صنعت وابسته ایران بود. در نهایت این فرایند توسعه، وضعیت طبقاتی ایران تغییر داد. (عظیمی، ۱۳۷۴: ۶۳)

سرمایه‌داری بین‌المللی همگام با دولت موقعیت برتری را جهت کنترل بخش‌های کلیدی اقتصاد به دست آورد. بورژوازی وابسته نیز کاملاً همبسته و تحت سلطه سرمایه‌داری بین‌المللی قرار داشت این طبقه متشکل از ۱۰۰۰ خانواده شامل خانواده‌ای اشرافی و درباری، صاحبان بانک‌های خصوصی و مراکز بازرگانی جدید، صاحبان صنایع و دست‌اندرکاران تجارت کشاورزی بود. ذی‌نفع‌های اصلی توسعه اقتصادی در دهه ۴۰ و ۵۰ سرمایه داران بین‌المللی وابسته‌ای بودند که در پناه حمایت‌های دولت قادر بودند بر اقتصاد تسلط یافته و سود کلانی به دست آورند. اینان اغلب با سرمایه نسبتاً اندک خود چنان قدرتی یافته بودند که سرمایه عمومی و سایر امکانات را برای عرضه اتموبیل‌های مونتاژ شده و غیره به کار می‌گرفتند تا پیشرفت اقتصادی ایران را به نمایش گذاشته و طبقه وابستگان دولت را خوشحال نگه دارند ولی در عوض سود سرشاری را نصیب خود می‌کردند. از طرف دیگر افزایش واردات به منظور پاسخ به تقاضاهای روزافزون و در نتیجه " تغییر الگوی مصرف و عادت دادن مردم به استفاده از کالاهای که امکان تولید آن در کشور موجود نبود کل زندگی اقتصادی، اجتماع و فرهنگی ایران را با انحصارات غربی پیوند داد تا آنجا که نه تنها برای به حرکت در آوردن چرخ صنایع بلکه برای هرگونه فعالیتی اعم از تولیدی و خدماتی، نیازها از طریق واردات تأمین می‌شد. پس صنایع وابسته پیشاهنگ وابستگی اقتصادی در ایران محسوب می‌شوند (سیف، ۱۳۸۰: ۷۱). اخبار و رویدادها بر جای مانده از رژیم شاه شدت این وابستگی را به خوبی نشان می‌دهد. به عنوان مثال کارخانه ارج با هشت هزار کارگر در سال ۱۳۵۶ به علت نداشتن پیچ متوقف می‌شود. توسعه صنعت کشور طی سال‌های قبل از انقلاب اسلامی ایران و به ویژه در برنامه‌های اول، دوم و سوم بر مبنای ایجاد و توسعه صنایع مصرفی استوار بود و قاعدتاً با گسترش کامل صنایع مصرفی و مونتاژ رفته رفته وابستگی شدید به واردات، فقدان هرگونه عمق در تولید صنعتی و فقدان رابطه منطقی میان بخش صنعت با سایر بخش صنعت با سایر بخش‌های اقتصاد ملی و زیر بخش‌های صنعت از جمله ویژگی‌های نظام صنعتی کشور گردید. صنایع کشور همچنان از ضعف ساختار برخوردار بوده و اغلب بر صنایع مونتاژ تکیه شده بود. به این ترتیب صنایع تکنولوژی بر تا ۹۰ درصد به خارج وابسته بودند و در سال ۱۳۵۷ به جز نفت کالای عمده دیگری برای صادرات وجود نداشت و ۱۵ سال بعد از انقلاب شاه و ملت روستایی و روستانشینان همچنان به واردات مواد غذایی به خارج وابسته بودند. (معدل، ۱۳۸۲: ۱۱۴)

پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی‌ام‌وسی‌ویکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

در این مورد می‌توان به خبر یکی از روزنامه‌های آن زمان (رستاخیز) در تاریخ تیرماه ۱۳۵۷ اشاره کرد. در این خبر آمده است که متأسفانه در ایران در وضع کنونی باید مرغ را با قیمت گزاف برای تولید تخم مرغ جوجه کشی از خارج وارد کنیم. مرغ مادر گوشتی را در شرایط کنونی نمی‌توانیم در ایران تولید کنیم. برای تغذیه این مرغ‌ها ۷۰ درصد غذای طیور را باید از خارج از کشور وارد کنیم. البته با این همه وارد کردن‌ها برای اداره این صنعت تکنولوژی لازم و نیروی انسانی نداریم. یعنی طبق استاندارد معمولاً برای هر ۲ هزار واحد دامی به یک دامپزشک نیازمندیم ولی در ایران متأسفانه برای هر ۴۳۱۹۶ واحد دامی یک دامپزشک وجود دارد. این خبر یک نمونه بارز از وابستگی تکنولوژیکی به تولید خارجی است. در سال ۱۳۵۴ برآورد شده است که بیش از یک میلیارد دلار جریمه به کشتی‌هایی پرداخت شد که در خلیج فارس به علت عدم وجود امکانات و تجهیزات تخلیه بار در انتظار بار اندازی مانده بودند.

در پی تغییر الگوی مصرف که از زمان اصلاحات ارضی در کشور شروع شد، صنایع مونتاژ سرمایه بر در مقیاس‌های بزرگ با حمایت بی‌دریغ از بخش خصوصی وابسته به قدرتهای داخلی و بین‌المللی، در تهران و اطراف آن استقرار یافت. پیش‌بینی برنامه‌ها در مورد بکارگیری تکنولوژی و رشد تولیدات صنعتی بسیار دورتر از واقعیت‌های موجود بود و این ناکامی سیاست صنعتی دولت را در پی داشت در حالی که برنامه ریزان پیش‌بینی می‌کردند که در برنامه پنجم تولیدات صنعتی در سطحی بالاتر از تقاضای بازار داخلی یا حداقل مساوی آن خواهد بود در عمل این تولیدات کفاف مصرف داخلی را ندارد و تکنولوژی تولید همچنان وابسته و عقب مانده بود. (وطنخواه، ۶۲: ۱۳۸۰)

۳-۲- سال‌های بحران:

ناکارآمدی اقتصادی رژیم پهلوی به گونه‌ای بروز کرده بود که بسیاری از محققان و نویسندگان آن را علت اصلی سقوط رژیم دانسته‌اند. اما باید گفت که پدیده چند بعدی بودن علل انقلاب اسلامی از ویژگی‌های خاص این انقلاب به شمار می‌رود. که علاوه بر علل سیاسی و فرهنگی و اجتماعی بر علل اقتصادی نیز تکیه دارد. در میان نظریات انقلاب، نظریاتی وجود دارند که بر عوامل اقتصادی تأکید می‌کنند. به این صورت که آنچه از سوی رژیم به عنوان توسعه اقتصادی تبلیغ می‌شد چیزی جز رشد اقتصادی ناموزون نبود. رشد که با اتکا ر درآمدهای نفتی و کمک‌های مالی آمریکا صورت گرفت. بدیهی است که با هر گونه کاهش و یا نوسان در این منابع رشد مذکور نیز متوقف می‌شد و به علت تضعیف سیاست‌های رفاهی موجبات نارضایتی مردم را فراهم می‌کرد. (عظیمی، ۱۳۷۴: ۱۶۸)

بررسی‌های کلی توسعه حقایق روشنی را پیش روی ما قرار می‌دهد. از اواسط دهه ۵۰ رشد و توسعه اقتصادی ناموزون و ناهماهنگ و دگرگونی سرسام‌آور بخش‌های اقتصادی و نیز تأثیرپذیری از اقتصاد جهانی

پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی ام و سی و یکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

چهره نامطلوب خود را نشان داد. علی رغم تبلیغات رژیم شاه در زمینه دستاوردهای عظیم اقتصادی واقعیات خبر از ناکامی اقتصادی می داد. این ناکامی ها در اواخر عمر رژیم نمود بیشتری داشت و این در واقع ناپایداری رشد اقتصادی سال های قبل از بحران اقتصادی که ناشی از رشد بی رویه قیمت نفت بود را نشان می داد حتی در طول برنامه پنجم ۱۳۵۷-۱۳۵۲ که به علت افزایش قیمت نفت رشد اقتصادی افزایش یافته بود و تفکر حرکت به سوی دروازه های تمدن بزرگ در ذهن شاه شکل گرفته بود، میزان برخورداری از رشد اقتصادی برای همه یکسان نبود و این نوع توسعه دوگانگی اقتصادی بین بخش سنتی و مدرن را افزایش داده بود. (کاتوزیان، ۱۳۷۲: ۲۵۷) در بخشی از طرح های این دوره تأسیسات صنعتی مدرن قرار داشت که در کنار بخش سنتی اقتصاد بنا شده بود. بحران های اقتصادی در اواخر رژیم شاه و مخصوصا به دنبال کاهش بهای نفت و ناکار آمدی دولت، زمینه سقوط آن را فراهم کرده بود. دولت برای تأمین بودجه برنامه ها و طرح های اقتصادی با مشکلات زیادی روبرو شد. تورم و کمبود بعضی از اقلام غذایی از تبعات بحران اقتصادی بود. رشد بی رویه قیمت خدمات شهری و افزایش هزینه زندگی که از پیامدهای تمرکز توسعه در شهرها و مهاجرت بی رویه و فساد اقتصادی بود موجبات نارضایتی بخش های وسیعی از جامعه را فراهم کرد. سیاست رفاهی رژیم با کاهش درآمدهای نفتی به بن بست رسیده بود. آهنگ شتابان مهاجرت روستائیان به شهرها به خاطر بی توجهی دولت به آنان و از سوی دیگر نیاز شهرها به ویژه تهران به کارگر سبب خالی شدن روستاها از سکنه و رکود بیشتر بخش کشاورزی و افزایش بهای محصولات این بخش شد. در نیمه دوم سال ۱۳۵۶ تورم به ۴۰ درصد رسید، نرخ رشد صنایع غیر نفتی از ۱۴/۱ درصد در سال ۱۳۵۵ به ۹/۴ درصد در سال ۱۳۵۶ تنزل یافت. (عباسی، ۱۳۸۳: ۹۹) در دهه های ۴۰ و ۵۰ شاه ظاهرا ضرورتی برای نگرانی در خصوص احتمال یک دگرگونی انقلابی جدی برای حکومتش نمی دید و به نظر می رسید حکومتش با ثبات است. گروه های چپ و جبهه ملی به نحو مؤثری تضعیف شده بودند. اما روند نارضایتی فرهنگی و سیاسی با مشکلات اقتصادی نیز تشدید شد و این روند به رهبری همه جانبه امام خمینی شدت بیشتری به خود گرفت. علاوه بر این، سیاست های دولت برای حل مشکلات اقتصادی همانند مبارزه با گران فروشی و کاهش هزینه اجتماعی نتیجه معکوس داد و به نارضایتی عمومی دامن می زد. آغاز به کار دولت کارتر و افزایش فشار بین المللی بر شاه برای کاهش کنترل سیاسی منجر به آن شد که رهبری امام خمینی، و مردم سرعت و شدت اعتراضات و مبارزات خود را برضد رژیم افزایش بخشند. در انتها به نظر کاتوزیان در مورد توسعه در این دوره اشاره کنیم «آنچه در ایران رخ داد نه پیشرفت اجتماعی و اقتصادی بود و نه مدرنیسم، بلکه شبه مدرنیسمی بوده که عواید نفت آن را تسریع کرد. (کاتوزیان، ۱۳۷۷: ۲۱۶) به همین شکل تغییرات ساختاری اقتصاد نیز نه به علت شهر نشینی که به واسطه شهرزدگی بود. هنگامی که کشور در آستانه دروازه های تمدن بزرگ قرار داشت سهم کل تولیدات صنعتی (شامل

پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی ام و سی و یکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

تولیدات دستی و روستایی و سنتی) در تولید ناخالص داخلی غیر نفتی ۲۰ درصد بود. در حالی که سهم خدمات ۵۶ درصد بود. اغلب شهرهای کوچک و بزرگ از جمله تهران فاقد سیستم فاضلاب کار آمد بودند، خدمات درمانی و بهداشتی برای اغنیا بسیار گران و نامطمئن بود و برای فقرا گران و خطرناک». (کاتوزیان، ۱۳۸۰: ۱۱۵).

۴-۲- دوران کوتاه شکوفایی نفتی:

با سه برابر شدن درآمدهای نفتی در سال ۱۳۵۳، رژیم سابق ایران یک سیاست اقتصادی مبتنی بر رشد سریع را در پیش گرفت و به این منظور، بودجه سالانه را به دو برابر افزایش داد، وام‌های سررسید نشده خارجی را پرداخت و اعلام کرد آماده‌است مبالغی را از طریق موسسات مالی بین‌المللی در اختیار کشورهای قرار دهد که با مشکل کسری موازنه پرداخت‌ها رو برو هستند. با اتکای به اعتبار مالی قوی در سطح بین‌المللی، ایران گاه حتی به عنوان تضمین کننده اعتبارات برای نهادهای خارجی نیز عمل کرد. در فاصله یک سال، واردات ۶/۱ میلیارد دلاری ایران با ۸۶ درصد افزایش به بیش از ۱۱/۵ میلیارد دلار رسید و سه سال بعد، حجم واردت یک بار دیگر دو برابر شد و در سال پیش از انقلاب به ۲۵/۲ میلیارد دلار رسید که بیشترین حجم واردات در سال‌های پیش از انقلاب بود. نرخ بیکاری نیز در سال ۱۳۵۵ به ۲/۹ درصد تنزل کرد پائین‌ترین رقم در تاریخ ایران بود. اما به علت سیاست‌های انبساطی، نرخ تورم به شدت افزایش یافت و به ۲۴/۹ درصد رسید که بالاترین رقم در سال‌های پیش از انقلاب بود. رشد سریع اقتصادی و بهبود چشمگیر موقعیت بین‌المللی ایران در سال‌های قبل از انقلاب با تورم نیز همراه بود. کاتوزیان درباره ی توسعه اقتصادی این زمان می‌گوید: «آنچه در ایران رخ داد نه پیشرفت اجتماعی و اقتصادی بود و نه مدرنیسم، بلکه شبه‌مدرنیسمی بوده که عواید نفت آن را تسریع کرد. به همین شکل تغییرات ساختاری اقتصاد نیز نه به علت شهرنشینی که به واسطه شهرزدگی بود. (کاتوزیان، ۱۳۷۲: ۲۸۹).

فصل سوم: اقتصاد ایران بعد از انقلاب تا کنون:

۱-۳- مقدمه:

با شدت گرفتن ناآرامی‌ها در سال‌های ۱۳۵۶ و ۱۳۵۷ و تغییر حکومت، فضای اقتصادی ایران نیز دیگرگون شد. انقلابیونی که با تمسک به استقرار عدالت اجتماعی و رفع هر گونه تبعیض، حکومت را در اختیار گرفته بودند، به مصادره و ملی کردن کارخانجات، شرکت‌ها و دارایی‌های بخش خصوصی روی آوردند. شش ماه پس از انقلاب، ۲۸ بانک خصوصی و صنایع خودروسازی و تولید فلزات اساسی همچون مس، فولاد و آلومینیوم، و دارایی‌های ۵۱ سرمایه دار صاحب صنعت ایرانی و بستگان درجه اول آنان ملی اعلام شد. اموال ملی شده در اختیار دولت قرار گرفت و اموال مصادره شده از سوی دادگاه‌های انقلاب به بنیاد مستضعفان منتقل شد تا مطابق اهداف

پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی ام وی وی کم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

اولیه انقلاب برای بالا بردن سطح زندگی محرومانی هزینه شود که همراهی آنها سقوط سلطنت را امکان پذیر کرده بود. (امیراحمدی، ۱۳۸۱: ۸۹) اقدامات انقلابیون تازه کار، اگر چه شاخص‌های توزیع درآمد را برای مدتی اندکی بهبود بخشید، اما سرمایه گذاری را به شدت کاهش داد و باعث افزایش نرخ تورم و رکود اقتصادی طولانی مدت شد. تصمیم دولت به کاهش تولید نفت، که از محدودیت فنی و کمبود کارشناس در استخراج آن ناشی می شد و دولت نیز برای جلوگیری از وابستگی به درآمدهای نفتی آن را تایید می کرد و اشغال سفارت آمریکا که قطع همکاری با شرکت‌های آمریکایی و انزوای ایران در جهان را در پی داشت، منجر به افزایش کوتاه مدت قیمت نفت (۳۲ دلار) در بازارهای جهانی شد و درآمدهای ایران با وجود کاهش تولید نفت برای مدتی کوتاه افزایش یافت و به بیش از ۲۴ میلیارد دلار رسید. (امیراحمدی، ۱۳۸۱: ۱۰۹) اقدامات دولت انقلابی باعث بهبود موقت در شاخص توزیع درآمد شد اما کاهش سرمایه گذاری و رکود و بیکاری بلندمدت را در پی آورد.

۲-۳- جنگ هشت ساله:

وقوع جنگ که صادرات نفت را با مشکل رو به رو کرده بود باعث شد تا درآمدهای ارزی دولت که پس از انقلاب برای مدتی بهبود یافته بود، به ۱۰ میلیارد و ۶۰۰ میلیون دلار در سال ۱۳۶۰ رسیده بود کاهش یابد و کشور را با کسری موازنه ارزی ۴/۵ میلیارد دلاری رو برو کند. در سال‌های آغازین دهه ۱۳۶۰، با افزایش دوباره قیمت نفت، اقتصاد متکی به نفت ایران یکی دو سالی رشد مثبت را تجربه کرد و نرخ تورم در سال ۱۳۶۴ به ۶/۴ درصد رسید که پایین‌ترین نرخ تورم در سال‌های بعد از انقلاب به حساب می آید. اما طولانی شدن جنگ منجر به ادامه کاهش درآمد سرانه و سرمایه گذاری شد و درآمدهای ارزی دولت در سال ۱۳۶۵ تنها به ۶/۲ میلیارد دلار رسید. کاهش درآمدهای ارزی آن چنان بودجه کشور را تحت تأثیر قرار داد که در سال پایانی جنگ کسری بودجه به نیمی از کل بودجه می رسید و تورم به ۲۹ درصد و نرخ بیکاری به ۱۵/۸ درصد رسیده بود.

۳-۳- دولت سازندگی هاشمی رفسنجانی:

کوتاه مدتی بعد از پایان جنگ، اکبر هاشمی رفسنجانی سکان هدایت کشور را بر عهده گرفت و اجرای اولین برنامه پنج ساله توسعه اقتصادی بعد از انقلاب آغاز شد. در این دوره، هم‌زمان با افزایش درآمدهای نفتی و دریافت وام‌های خارجی، دولت سیاست درهای باز اقتصادی را به اجرا در آورد. با اجرای این برنامه، حجم واردات به سرعت افزایش یافت و از ۱۶/۵ میلیارد دلار در سال ۱۳۶۸ به بیش از ۳۰ میلیارد دلار در سال ۱۳۷۰ رسید. یکسان سازی نرخ ارز در فاصله کمتر از چند ماه به دلیل افزایش حجم نقدینگی، تورم، کاهش قیمت نفت و تشدید تحریم‌های آمریکا علیه ایران متوقف شد و نخستین دور اصلاحات اقتصادی که دولت هاشمی رفسنجانی آن را آغاز کرده بود خیلی زود به بن بست رسید. (رزاقی، ۱۳۸۱: ۵۶)

پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی ام وی وی کم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

متأسفانه اجرای این سیاست حجم بدهی‌های خارجی دولت را به بیش از ۲۳ میلیارد دلار افزایش داد و تورم ۴۹/۳ درصدی را در تاریخ ایران ثبت کرد. با بحرانی شدن اوضاع اقتصادی، دولت هاشمی رفسنجانی که از بازپرداخت وام‌ها عاجز مانده بود با عقب نشینی از برنامه‌های اعلام شده خود، واردات را محدود کرد و سیاست تثبیت را در پیش گرفت. برنامه‌هایی چون خصوصی سازی، راه اندازی موسسات مالی و اعتباری در قالب برنامه اول، توسعه و بازگشایی بازار بورس تهران از جمله برنامه‌هایی بود که در دوره هاشمی رفسنجانی به اجرا درآمد. تلاش دولت هاشمی رفسنجانی برای آزاد سازی نظام ارزی به شکست منجر شد و نتیجه آن نرخ تورم حدود ۵۰ درصد و بدهی بی سابقه خارجی ایران بود.

۴-۳- دولت خاتمی:

پیروزی محمد خاتمی در انتخابات سال ۷۶ با کاهش قیمت نفت همراه بود و درآمدهای ارزی حاصل از فروش نفت ایران در آستانه دوران محمد خاتمی به صحنه سیاسی به ۹/۹ میلیارد دلار کاهش یافت. کسری بودجه ناشی از کاهش درآمدها با استقراض از بانک مرکزی تأمین شد اما متأسفانه افزایش حجم نقدینگی سبب شد که نرخ تورم که به حدود ۱۶ درصد کاهش یافته بود در سال ۱۳۷۸ به بیش از ۲۰ درصد برسد. بعد از آن تورم دوباره به کمتر از ۱۳ درصد کاهش یافت و دولت ساختار ارزی خود را اصلاح کرد و یکسان سازی نرخ ارز را به اجرا درآورد. تحقق رشد اقتصادی بالای شش درصد به مقامات اقتصادی ایران امکان آن را داد تا علاوه بر کنترل بدهی‌های خارجی بخش عمده‌ای از آن را بازپرداخت کنند. بر اساس آمارهای رسمی بدهی‌های خارجی دولت به حدود ۹/۲ میلیارد دلار کاهش یافته است.

۵-۳- دولت احمدی نژاد:

از سال ۱۳۸۴ و روی کار آمدن محمود احمدی نژاد طرح‌هایی همچون طرح هدفمندسازی یارانه‌ها و مسکن مهر به اجرا گذاشته شد. این سال، سال آغاز اجرای سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ ایران محسوب می‌شد. اقتصاد ایران یک اقتصاد در حال گذار است با یک بخش عمومی بزرگ که تخمینی ۵۰٪ از اقتصاد متمرکز را شامل می‌شود. صادرات ایران شدیداً بر پایه صادرات نفت و گاز است (۸۰٪) که در سال ۲۰۱۰ این صادرات ۶۰٪ درآمد دولت را شامل شده است. نکته منحصر به فرد در مورد اقتصاد ایران سهم بنیادهای فرهنگی از بودجه دولت مرکزی است که ۳۰٪ بودجه را شامل می‌شود.

اقتصاد ایران یکی از معدود اقتصادهای بزرگ است که در جریان بحران مالی ۲۰۰۷-۲۰۰۹ به طور مستقیم لطمه ندید. مشکلات اقتصادی که نتیجه ترکیبی از کنترل قیمت‌ها و یارانه‌ها به ویژه در بخش مواد غذایی و انرژی است باعث ادامه سنگینی اقتصاد می‌شود. همچنین قاچاق، کنترل اداری و فساد گسترده و دیگر موانع باعث تضعیف پتانسیل رشد بخش خصوصی در ایران شده است. محمود احمدی نژاد به جای حذف یارانه

پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی ام و سی و یکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

پیشنهاد هدفمند کردن یارانه ها را ارائه کرد. با این وجود تلاش‌های قبلی دولت مانند سهمیه بندی کردن بنزین در سال ۲۰۰۷ و تحمیل مالیات بر ارزش افزوده در سال ۲۰۰۸ با مخالفت‌های بعضا خشونت آمیز روبرو شده بود. قیمت بالای نفت در سال‌های اخیر به ایران این امکان را داده‌است تا ۹۷ میلیارد دلار ارز آوری داشته باشد. اگرچه این افزایش درآمد به خودباوری و افزایش سرمایه گذاری داخلی کمک کرد اما نرخ دورقمی بیکاری و تورم همچنان باقی ماند. بر پایه آمار بانک مرکزی ایران نرخ تورم در سال ۲۰۱۰ تا ۱۱۰۵٪ کاهش پیدا کرده‌است. اقتصاد تنها رشد متوسط را به خود دیده است. ناکارآمدی اقتصاد و سرمایه گذاری ناکافی داخلی و خارجی باعث رشد فزاینده ایرانیانی که به خاطر پیدا کردن شغلی مناسب راهی آنسوی آب‌ها می‌شوند شده‌است که نتیجه آن پدیده فرار مغزها است (برگرفته از سایت: iichs.org). در حال حاضر ایران از لحاظ قدرت برابری خرید، هجدهمین کشور در دنیا و بر اساس فهرست صندوق بین المللی پول ایران رتبه ۲۹ را دارا می باشد. صندوق بین المللی پول در ماه مه ۲۰۱۱ نرخ رشد ایران را صفر درصد پیش بینی کرد ولی پس از اعتراض ایران این نرخ رشد را به ۲٫۵ درصد افزایش داد که با این وجود هنوز بسیار کمتر از متوسط نرخ رشد جهانی و منطقه‌ای است. به گزارش صندوق بین المللی پول تورم ایران در سال ۲۰۱۱ بالاترین تورم منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا و به میزان ۲۲٫۵ درصد پیش بینی شده است.

۶-۳- امکانات توسعه:

تحقق توسعه طبعا ابزارها و امکانات خاصی می طلبد که اگر این ابزارها وجود داشته باشند این امر رخ داده و گرنه چنین اتفاقی نخواهد افتاد. ما در این مجال کوتاه به بررسی برخی از این ابزارهای مشترک در همه انواع توسعه بصورت مختصر می پردازیم.

۱- سرمایه

سرمایه که در هر زمینه و برای شروع در هر امری نقشی حیاتی را بعهدده داشته و بی تردید بدون آن گام از گام برداشته نخواهد شد؛ در امر توسعه نیز این گونه است که الزاما برای تحرک و رسیدن به شرائط ایده آل، باید از این مهم بهره جسته شود. لذا ما در دنیای امروز شاهد این هستیم که کشورهایی که از این ابزار مهم بیشتر برخوردارند از توسعه بیشتری نیز بهره می برند.

۲- نیروی کار:

نیروی کار که در واقع بخش سخت افزار هر عرصه ای را شکل می دهد و بدون آن هیچ چیز قابل پیاده سازی و تحقق نخواهد بود در توسعه از جایگاه ویژه ای برخوردار می باشد بطوری که می توان گفت اساسا بدون آن، هیچ گونه توسعه ای اتفاق نخواهد افتاد.

۳- برنامه ریزی:

پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی ام و سی و یکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

از جمله مصادیق بخش نرم در هر توسعه در حقیقت همان برنامه ریزی درست و اصولی بر اساس داشته های واقعی هر جامعه می باشد تا در نهایت آنچه رخ می نماید بدرستی و به موقع اتفاق بیافتد.

۷-۳- شاخص های توسعه یافتگی:

توسعه یافتگی که در مقابل آن از واژگانی چون عقب ماندگی، کم تر توسعه یافتگی و در حال توسعه سخن گفته می شود بر اساس یک سری معیارهایی اندازه گیری شده که در نیا مورد پذیرش عمومی بوده و الگو واقع شده است. بعنوان مثال در دنیا اروپا بعنوان یکی از مصادیق توسعه یافتگی تلقی و برخی معیارهای آن را مانند رشد بخش کشاورزی، صنعت، فن آوری و... بعنوان شاخص تعیین و تمام کشورها بر اساس آن مورد سنجش قرار می گیرند. در این جا به ذکر برخی از این شاخص ها در این حوزه بسنده می کنیم.

۱- شاخص های کمی:

در باب شاخص های توسعه یافتگی می توان به شاخص هایی اشاره کرد که جنبه کمی و به تعبیری حجمی دارند و نشانگر میزان برخورداری یا عدم برخورداری جوامع، از مواهب مادی می باشند. در این مجال به طور اختصار به برخی از این شاخص ها توجه می کنیم.

الف: تولید ناخالص ملی

این شاخص که به ارزش پولی کل تولید (محصولات ساخته شده و خدمات ایجاد شده) در یک دوره زمانی معین مثلا یک سال ناظر است یکی از پرسابقه ترین شاخص ها می باشد که به هر میزان که این تولید بالاتر باشد میزان توسعه یافتگی نیز بیشتر خواهد بود.

ب: درآمد ناخالص سرانه ملی

از تقسیم درآمد ملی یک کشور (تولید ناخالص داخلی) به جمعیت آن، درآمد سرانه بدست می آید (مقاله توسعه و رشد اقتصادی و شاخص های عینی توسعه یافتگی). (برگرفته از سایت مطالعات افکار نو: afkarenow.com) که هر فرد در جامعه از آن برخوردار می باشد به این که هر چه این درآمد بیشتر و میزان بهره مندی مردم (از آنچه نیاز دارند) بالاتر باشد به همان اندازه توسعه یافتگی اتفاق افتاده است و طبعا هر چه این منحنی رو به پایین باشد توسعه نیز سیر نزولی خواهد داشت.

ج: توزیع درآمد

هر چند شاخص پیش گفته در شمار یکی از معیارهای توسعه یافتگی بود ولی از آن مهم تر این است که این درآمد سرانه ملی چگونه میان آحاد جامعه توزیع شود. اگر این درآمد بدرستی در میان تمام دهک های برخوردار و غیر برخوردار توزیع گردد ما خواهیم توانست از آن به توسعه یافتگی یاد کنیم و گرنه چنین چیزی دور از حقیقت خواهد بود.

پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی ام و سی و یکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

۲- شاخص های کیفی

از آنجا که در توسعه اقتصادی تنها بعد کمی ملاک نبوده و بخش عظیمی از آن به بعد کیفی نیز باید ناظر باشد لذا توجه به کیفیت شاخص های توسعه یافتگی از اهمیت خاصی برخوردار می باشد که در این جا به ذکر چند مورد از این شاخص ها اکتفا می کنیم.

الف: میزان باسوادی

یکی از معیارهایی که از دوران های قدیم نیز مورد توجه بشر بوده میزان باسوادی مردمان می باشد به این که به هر اندازه که بیشتر و بهتر باشد آن جامعه دارای رشد یافتگی و به عبارتی توسعه بیشتری خواهد بود (سایت: pajoohe.com).

امروزه نیز در دنیا این موضوع، بسیار مورد توجه قرار دارد بگونه ای که این شاخص از جمله اساسی ترین شاخص ها (در باب توسعه) بوده و اگر ملتی فاقد آن باشد یا کم تر از آن برخوردار باشد در زمره کشورهای عقب مانده و یا کم تر توسعه یافته جای خواهد گرفت.

ب: مرگ و میر نوزادان

از جمله شاخص های کیفی در توسعه اقتصادی میزان سلامت هر جامعه می باشد. هر اندازه که مردم از مسائل بهداشتی بهره مند باشند و در نهایت سلامت جامعه تامین باشد به همان میزان می توان گفت که این جامعه از توسعه برخوردار و یا این که از آن محروم می باشد. نا گفته نماند که این مهم در مورد مرگ و میر نوزادان، بیشتر مورد توجه می باشد.

ج: امید به زندگی

یکی از مباحث کیفی که در توسعه اقتصادی از آن یاد می شود بحث امید به زندگی احاد جامعه می باشد به این که هر فرد اگر از تمام جنبه های مادی (که به جسم او مرتبط است) بهره مند باشد و بتواند از عمر بیشتری برخوردار گردد می توان گفت جامعه او توسعه یافته است و اگر چنین نبود طبعا این جامعه دچار عقب ماندگی و یا کم تر توسعه یافتگی شده است. در پایان جمع بندی بحث باید گفت که: موانع توسعه یافتگی در ایران چیست؟ لذا ما در این جا به بررسی و تحلیل برخی از این موانع در ابعاد داخلی و خارجی می پردازیم.

۸-۳- موانع توسعه ایران:

الف: داخلی

بدون شک یکی از موانع توسعه یافتگی در ایران، به مسائل داخلی بر می گردد به این که نقش آنچه در داخل ایران رخ داده است را نباید از نظر دور داشت. لذا ما در این جا به اختصار به برخی از این موانع اشاره می کنیم.

پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی ام و سی و یکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

۱- موانع تاریخی

از زمره موانع می توان به موانع تاریخی توجه نمود که ایران در طول تاریخ خود به آن دچار بوده است از جمله: الف: وقوع جنگ های ویرانگری همچون حمله مغولان ، روسها ، انگلیسیها و... به ایران ب: ضعف و سستی حاکمان بویژه در عصر قاجار که انسان های خوش گذران بوده و کشور و امکانات آن را مرتبا به دشمنان تقدیم می کردند.

۲- تشتت مردم و مسولان

عدم هماهنگی حاکمان با مردم به این که در طول تاریخ ایران همواره دسته ای که بر امور کشور حکومت می کردند از مردم جدا بوده و طبعا مردم نیز با آنان همراهی نداشتند و در پیشبرد کشور سهمی نداشتند.

۳- اختلافات قومی

از جمله موانع بر سر راه توسعه ایران، وجود برخی تفکرات قومی و قبیله ای بوده که در بخش هایی از کشور که در حقیقت مردمان، تنها به منافع خود و قبیله خود اندیشیده و چه بسا درگیری هایی نیز در این میان بروز می نموده است که بخشی از توان و فرصت های کشور خرج آن می شده است که در نهایت نیز هیچ سودی به حال مردم نداشته و تنها خرابی به بار می آورده است.

۴- سیاسی

یکی دیگر از موانع در راه توسعه ایران همان مانع سیاسی بوده است که قبل از انقلاب وجود داشت به این که دشمنان این مملکت که منافع خود را از توسعه ایران در خطر می دیدند نمی توانستند با رخ داد توسعه به آن منافع لطمه ای وارد آورند لذا در این که ایران هم بخواهد و یا این که بتواند در راه رشد خود گام بردارد کارشکنی و دست اندازی کرده و نگذاشتند این امر تحقق یابد. علاوه این که بسیاری از مباحثی که در راستای مسایل سیاسی موثر می افتاد در بیرون از این کشور طرح ریزی می شد که اصولا دست حاکمان از آن بدور بوده و طبعا در این جهت بگونه ای برنامه ریزی صورت می گرفت که ایران و مردمان آن همواره ذلیل و نیازمند دیگران باشند تا این که خود نتوانند برای منافع خود اقدامی نمایند.

۵- مدیریتی

از دیگر موانعی که می توان در راه توسعه ایران از آن یاد نمود این است که پیش از انقلاب در این مملکت، مدیریتی کارآمد وجود نداشت تا این که بتوان از تمام فرصت ها و امکانات بدرستی بهره گرفته و در راه توسعه یافتگی ایران گام برداشت.

۶- فرهنگی

در زمره موانع عدم توسعه یافتگی ایران، مانع فرهنگی را نباید از خاطر دور داشت به این که در دورن مرزها

پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی‌ام‌وسی ویکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

آنگونه وانمود شده بود که ایرانی نمی‌تواند خودش کاری از پیش برده و برای آینده و رشد و توسعه خود گامی بردارد. به عبارتی دشمنان در یک برنامه هدفمند، در ایران (شاهپهنشاهی) کوشیدند تا مردمان ایران را نسبت به توان و استعدادشان بی‌اعتماد سازند تا از این رهگذر بتوانند علاوه بر تامین منافع نامشروع خود، این کشور را همچنان از قافله توسعه عقب‌نگه دارند.

ب: خارجی

از موانع داخلی توسعه یافتگی ایران که بگذریم نقش موانع خارجی نیز در این میان امری قطعی و غیر قابل انکار می‌نماید که ما در این مجال کوتاه به ذکر برخی از این موانع بسنده خواهیم کرد.

۱- حضور بیگانگان

کشور ما بر اساس گواهی تاریخ، از جمله کشورهایی است که از دوران‌های دور با حضور بیگانگان در درون مرزهای مادی و سیاسی دست به گریبان بوده و همواره این قدرت‌های خارجی بوده‌اند که برای این مملکت برنامه‌ریزی و آن را بر اساس خواسته‌های خود اداره می‌کرده‌اند. از این رو می‌توان حضور بیگانگان را یکی از موانع توسعه ایران دانست که این امر با انقلاب اسلامی بکلی از میان رفته و دست‌انامشروع آنان از این کشور قطع گردید.

۲- استعمار قدرت‌های بزرگ

یکی از بهانه‌هایی که قدرت‌های بزرگ را بر آن می‌داشت تا این که وارد دیگر سرزمین‌ها از جمله ایران شوند موضوع استعمار^۱ (و یا همان به اصطلاح عمران و آبادانی کشورهای هدف) بوده است به این که کشورهای همچون آمریکا، انگلیس، فرانسه و... که خوی سلطه‌گری داشتند به این بهانه به دیگر کشورها وارد شده و به جای آبادسازی آنها اقدام به خرابی و به عبارتی از بین بردن و نابودسازی می‌کردند. بنابراین کشور ما که سابقه طولانی در ورود مغرضانه قدرت‌های بزرگ دارد بخاطر نابودسازی منابع آن از سوی این قدرت‌ها و به عبارتی بدلیل استثماری که آنان نسبت به ایران روا داشتند نتوانست در راه توسعه خودگام بردارد و این خود مانعی بزرگ در این راه شد.

۳- انواع تحریم‌ها

از جمله موانعی که در راه توسعه ایران، (پس از انقلاب وجود داشته است) تحریم^۲‌هایی است که دشمنان در پی کوتاه شدن دست آنان از منافع ملت ایران، علیه مملکت ما وضع کرده و اجرا نمودند بگونه‌ای که این تحریم‌ها همچنان و پس از گذشت سی و چند سال، روزافزون گشته و ادامه دارد.

1 - Colonization

2 - Sanction

پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی ام و سی و یکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

ثانیا: نباید از نظر دور داشت که آنچه به عنوان توسعه صنعتی، اقتصادی، تکنولوژی و... در غرب اتفاق افتاده است معلول چند علت می باشد

۱- قرنهای کار و آزمون و خطا

دنیای غرب در پی قرن ها تلاش و زحمت و پشت سر نهادن آزمون ها و خطاهای گوناگون توانسته است به این توان و توسعه دست یابد که امروز شاهد آن هستیم. لذا ایران فعلی را نمی توان با این پیشینه دراز، مورد مقایسه و سنجش قرار داد چرا که تلاش های ایران تنها ۳۰ سال پس از انقلاب است که آغاز گردیده و در تلاش برای ورود به عرصه های توسعه یافتگی است که طبعا نتیجه آن را باید در آینده دید.

۲- گذار از مشکلات و بحرانها

اگر در غرب سخن از توسعه یافتگی است بدون تردید این مهم پس از عبور از مشکلات و بحران های مختلفی اتفاق افتاده است که غربی ها در طول این مسیر، آن را طی و پشت سر نهاده اند. بنابراین بدست آوردن این توسعه به همین راحتی نمی تواند اتفاق بیافتد بلکه این موضوع یک فرایند^۱ پیچیده ای است که می باید در گذار از مقاطع مختلف حاصل آید و به تعبیری نتیجه بخش باشد .

۳- استقلال مدیریتی

از دیگر عوامل توسعه یافتگی در غرب، استقلال مدیریتی آن را می توان نام برد که متاسفانه نظام مدیریتی قبل از انقلاب، مبتلا به وابستگی خاصی بوده که این خود همواره مانعی جدی و بزرگ بر راه توسعه یافتگی ملت ایران بوده است.

۴- غارت منابع سایر ملت های جهان

بی تردید غرب و غربی ها که سابقه درازی در استثمار دیگر ملل دنیا داشته و از قدیم الایام در پی بهره کشی های مختلف از آنان بوده اند در باب توسعه یافتگی خود نیز مرهون این می باشند که این موضوع در دو بعد قابل بررسی می باشد.

الف: منابع مادی

همان گونه که پیش تر نیز بیان گردید از جمله عوامل توسعه، منابع طبیعی و به تعبیری سرمایه هر ملت می باشد که غرب با توجه به خوی ذاتی خود در غارت منابع دیگر مردمان جهان از جمله ملت های آفریقا، آسیا و از جمله کشور خود ما و... که توانی در استخراج، بازآوری و حفظ داشته های مادی خود نداشتند توانسته است از این فرصت سوء استفاده کرده و به تاراج این منابع از جمله معادن طلا، الماس و... بپردازد تا در راه توسعه یافتگی خود از آن بهره جوید.

پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی ام و سی و یکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

ب: منابع انسانی

منابع انسانی هر ملت که در واقع سرمایه حقیقی آنان بشمار می رود در زمره ابزارهای مهم در جهت توسعه یافتگی قلمداد شده بگونه ای که اصولاً نمی توان توسعه را بدون آن تصور کرد. غربی ها که از دیر زمان بدنبال ربودن مغزها و به عبارتی نیروی انسانی ملت های دنیا بوده و به هر بهانه ای این عمل را انجام می داده اند توانسته اند از این منابع استفاده کرده و به توسعه دست یابند. لذا است که شما در غرب از نیروهای بومی آنان در مسائل پیچیده علمی، کمتر خواهید توانست کسی را سراغ بگیرید بلکه عموماً این نیروها از دنیای بیرون از غرب می باشند که با ترفندهای گوناگونی همچون تطمیع، تهدید و... آنان را جذب کرده اند.

نتیجه گیری و ارائه راهکار:

در پایان مقاله باید گفت جمع بندی علل و عوامل عدم پیشرفت کشور که در پایان فصل سوم به طور مبسوط بیان شد؛ نتیجه آن است که توسعه کشور نیازمند پیش زمینه هایی است که طی صد سال اخیر فراهم شده است هرچند ضعف و مشکلات داخلی و دخالت های خارجی و موارد دیگر باعث کند شدن و متوقف شدن توسعه کشور شده است. در صد سال گذشته نفت موتور محرک پیشرفت و اقتصاد کشور بوده است ولی نیازمند این نیز بوده است که مدیریت درستی نسبت به این منابع عظیم نفتی در تولید و فروش و خرج پول آن بشود که متأسفانه عوامل داخلی مانند ضعف مدیریت و عوامل خارجی مثل جنگ، تحریم و دخالت های بی شمار خارجی در زمان طاغوت و عدم اتکاب به درآمدهای غیرنفتی و استفاده از درآمد نفت در سرمایه گذاری های بلندمدت نه صرف هزینه جاری کشور در طی سی و چند سال بعد از انقلاب باعث شده که توسعه کشور وارداتی بماند ولی باید اذعان نمود که بدون درآمدهای نفتی نه حکومت پهلوی و نه دوران بعد از انقلاب نمیتوانستند حداقل پیش زمینه های لازم برای توسعه کشور را فراهم نمایند هر چند بیگانگان قبل از انقلاب ثروت نفت ما را به تاراج میبردند و بهره ای اندکی از آن را به کشور میدادند ولی بعد از انقلاب با تلاش های فراوان دولتهای پس از انقلاب سعی شده که از اقتصاد توسعه وارداتی به سمت توسعه بومی و ملی حرکت کنیم که خوشبختانه قدمهای خوبی مثل تولیدات علمی و صنایع نظامی و هسته ای و نانو و پزشکی و حتی بخشهای صنعتی برداشته شده که میتواند همگی نویدبخش آینده ای امیدوارکننده باشد. حال اگر این مباحث را بخواهیم بر ایران منطبق سازیم باید آن را نسبت به دو دوره زمانی قبل و بعد از انقلاب بررسی کرده تا قدری حقیقت روشن گردد:

الف: قبل از انقلاب

در دوران قبل از انقلاب تلاش های انجام شده جهت توسعه کشور مانند جاده سازی و تاسیس صنایعی مانند ذوب آهن و برنامه ریزی باری تاسیسات هسته ای بوشهر و تاسیس کارخانجات دولتی و خصوصی و صنایع خودروسازی مانند ایران ناسیونال و... تماماً تلاشهایی بود که با این نگاه انجام می شد که حکومت پهلوی اول و به خصوص

پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی‌ام‌وسی‌ویکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

پهلوی دوم به دنبال توسعه وارداتی بودند و خودباوری ملی و خودکفایی و تکیه بردانش بومی و استعدادهای ملی رادستکم می گرفتند و معتقد بودند تکنولوژی و فن اوری و صنایع و مواد اولیه و تمام فرایند تولید محصولات باید وارداتی و غربی باشد. در زمان پهلوی دوم میزان واردات طی ۵ سال پایانی حکومت پهلوی باتکیه بر درآمدهای نفتی بسیار افزایش یافت و تمام صنایع و کارخانجات داخلی صرفاً مونتاژ کارموادی بودند که از خارج وارد می شد و کارشناسان خارجی و نیروها و متخصصین خارجی نیز ابتکار عمل را در دست داشتند و نیروی کار ایرانی صرفاً مشغول انجام کارهای ساده و پیش پا افتاده بود که توسعه وارداتی اگرچه پیش زمینه ها و حداقلی از سواد و جاده و کار و آموزش و صنایع و... رافراهم نمود اما این نوع توسعه به هیچ عنوان پایدار و در شان استقلال کشور نبود اما با وقوع انقلاب روند اوضاع دگرگون گشت که در ادامه اشاره می گردد.

ب: بعد از انقلاب

باید گفت در ایران پس از انقلاب، تلاش های بسیاری در زمینه های مختلف از جمله تکنولوژی، اقتصاد، انرژی هسته ای، سلول های بنیادی و... برای رشد و توسعه آغاز شده بطوری که می توان گفت انقلاب سرآغازی برای بازسازی و یا حتی ایجاد تمدن اسلامی گردیده و آینده خوبی به ما نوید می دهد که بی تردید همه ما باید در این راه کمک کار بوده و از هیچ حمایت و یا کمکی فرو گذار نکنیم. در اینجا به دو مورد اشاره میشود:

۱- رشد علمی

وبگاه علمی تحلیلی ساینس متریکس که به تحلیل و ارزیابی پیشرفت های علوم، فناوری و نوآوری اختصاص دارد، در مقاله ای با موضوع مرور تحلیلی رشد علم در ۳۰ سال گذشته در کشورهای مختلف جهان پرداخته و نرخ رشد تولیدات علمی در ایران را ۱۱ برابر نرخ متوسط رشد علم در جهان اعلام می دارد و ایران را دارای بالاترین رشد در میان همه کشورهای جهان مطرح می کند.

۲- رشد اقتصادی

سایت ایران اکونومیست در گزارشی از بانک جهانی در ارتباط با رشد اقتصادی ایران می نویسد: «بانک جهانی در تازه ترین گزارش خود رشد اقتصادی ایران در سال ۲۰۰۹ را ۳ درصد و رشد اقتصادی جهان در این سال را منفی ۱٫۷ درصد پیش بینی کرد. بانک جهانی در تازه ترین گزارش خود موسوم به دورنمای اقتصادی جهان پیش بینی کرد رشد اقتصادی ایران در سال ۲۰۰۹ به ۳ درصد خواهد رسید. در گزارش نوامبر ۲۰۰۸ این سازمان رشد اقتصادی ایران برای سال ۲۰۰۹ بالغ بر ۳٫۵ درصد پیش بینی شده بود. بر اساس پیش بینی بانک جهانی رشد اقتصادی ایران در سال ۲۰۱۰ اندکی افزایش خواهد یافت و به ۴ درصد خواهد رسید. این در حالی که در آن زمان بحران اقتصادی فزاینده ای دنیای غرب را فرا گرفته و آن را فلج کرده بود اما در ایران همچنان رشد اقتصادی رو به جلو بوده و از آن بحران، کمترین آسیب را دیده بود.

پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی ام وی وی کم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

ثالثا: در این ارتباط که آیا عدم توسعه یافتگی به کم کاری مسولان بر می گردد یا خیر؟ باید دانست که آن را می توان در دوره زمانی قبل و بعد از انقلاب مورد تحلیل قرار داد:

الف: قبل از انقلاب

۱- موضوع توسعه یافتگی: امری نیست که بتوان آن را در طی یک بازه زمانی سی ساله تحقق بخشید بلکه ریشه این موضوع را باید در قبل از انقلاب جستجو کرد که روند توسعه بسیار کند و نامتوازن و کاملاً وابسته به خارج بوده است.

۲- بی شک قبل از انقلاب نقش مسولان در این مهم (عدم توسعه ایران) تعیین کننده بوده و آنان حقیقتاً کم کاری کرده اند اما این سخن را نمی توان به بعد از انقلاب سرایت داد هر چند بصورت جزئی، کم کاری برخی مسولان نیز پس از انقلاب قابل بررسی است.

ب: بعد از انقلاب

۱- ایران پس از انقلاب دارای دوره ها و مشکلات خاصی بوده است که هر کدام به تنهایی کافی بود تا این که کشور با شکست مواجه گردد. یکی از دوره های حساس و سرنوشت ساز انقلاب، سال های نخستین آن بود که در آن زمان مشکلاتی وجود داشت همچون حضور گروهک های مختلف که نمی گذاشتند مردم روز خوشی داشته و هر روز شاهد بمب گذاری و ایجاد تفرقه و ناامنی در مناطق مختلف بودیم که خود موانع مهمی در راه توسعه ایران بودند. از دیگر مشکلات باید به جنگ تحمیلی هشت ساله اشاره کرد که واقعا بسیاری از فرصت ها و امکانات ما را هدر داده و خسارات بسیاری نیز به بار آورد که همچنان و پس از گذشت افزون بر بیست سال از آن، شاهد آثار سوء آن هستیم. از طرف دیگر و در دوره های دیگر انقلاب نیز ما شاهد کارشکنی ها و دست اندازهای مختلفی هستیم که از سوی دشمنان این مرز و بوم به آن دامن زده و بخوبی دستان پلید عناصر داخلی و خارجی در آن پیدا است. بعنوان مثال موضوعی که امروز یکی از شاخص های مهم در توسعه یافتگی در دنیا مطرح است بحث انرژی هسته ای که در دهه اخیر، بد خواهان این ملت تا توانسته اند در این راه سنگ اندازی و علیه آن اقدام به توطئه های مختلف سیاسی، رسانه ای و... کرده اند تا این که این مهم را از ایران اسلامی گرفته و نگذارند به این توان و قدرت دست یابد که با امدادهای الهی نتوانستند به این هدف شوم خود دست یابند و امروز ما بعنوان یک قدرت دارای توان هسته ای در دنیا مطرح می باشیم.

۲- بدون شک انقلاب اسلامی مردم ایران گام بلندی بود که در راه رشد و توسعه همه جانبه ایران برداشته شد بگونه ای که امروز و به اعتراف دوست و دشمن، ما در مسیری گام نهاده ایم که آینده آن روشن بوده و با اتکا به توان مندی ها و استعداد های خود خواهیم توانست کشورمان را همچنان که از زمره کشورهای عقب مانده دنیا درآورده و آن را به جزگه کشورهای در حال توسعه وارد ساختیم همچنین این مرحله را نیز پشت سر نهاده و

پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی ام و سی و یکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

آن را به کشوری توسعه یافته بدل سازم. به عبارت دیگر این انقلاب بود که سرآغازی برای توسعه ایران بوده و در این راه به عرصه های مختلف توسعه از جمله اقتصاد، صنعت، تکنولوژی و ... وارد و قله های فراوان علمی (انحصاری) را فتح و خود بر آن سلطه یافته است و به توفیق الهی در آینده نیز خواهیم توانست همچنان به این حرکت و خیزش میمون و مبارک استمرار بخشیده و پا به عرصه توسعه یافتگی بگذاریم. امیداست بابرطرف نمودن مشکلات داخلی و رفع موانع خارجی از جمله تحریمهای ظالمانه چندسال اخیر و باتکیه بردانش بومی و استعدادهای ملی و صرف درامدنت برای سرمایه گذاری های بلندمدت و بایستوانه زیرساختهای ساخته شده چه قبل از انقلاب و به خصوص تلاشهای بی وقفه بعد از انقلاب در امر توسعه آموزش و فن اوری و صنایع و کارخانجات و جاده سازی و برق و آب و گازرسانی و پیشرفتهای ارتباطات جهانی IT در کشور بتوانیم از نعمت نفت بهتر و بیشتر و بهینه تر استفاده نماییم و از خام فروشی خودداری و از محصولات و فراورده های آن استفاده و زمینه های استقلال خود را فراهم نماییم و نفت را برای آیندگان نیز ذخیره نماییم هر چند لازم است که در مصرف انرژی در کشور از جمله نفت نیز صرفه جویی شود تا مجبور به واردات فراورده های نفتی مثل بنزین نشویم و برای آیندگان نیز ذخیره نگه داریم.

منابع کتب:

- ابریشمی، حمید. (۱۳۷۵). اقتصاد ایران. تهران: انتشارات علمی فرهنگی.
- اشرف، احمد. (۱۳۵۹). موانع تاریخی رشد سرمایه داری در ایران: دوره قاجاریه. تهران: زمینه.
- امیراحمدی، هوشنگ و منوچهر پروین. (۱۳۸۱). ایران پس از انقلاب. مترجم علی مرشدی زاده. تهران: نشر مرکز
- بازشناسی اسلام و ایران.
- آبادیان، حسین. (۱۳۸۳). بحران مشروطیت در ایران. تهران: موسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی.
- آدمیت، فریدون. (۱۳۵۵). ایدئولوژی نهضت مشروطیت ایران، جلد اول. تهران: نشر نامشخص.
- رزاقی، ابراهیم. (۱۳۸۱). آشنایی با اقتصاد ایران. تهران: نشر نی.
- رهبری، مهدی. (۱۳۸۳). اقتصاد و انقلاب اسلامی ایران. تهران: انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- سورن سن، ژرژ. (۱۳۸۱). دموکراسی و دموکراتیزه کردن، فراگشت و دورنمای آن در جهان. ترجمه: فرهاد طالع. لنگرود: نشر سمرقند.
- سیف، احمد. (۱۳۸۰). استبداد و مسئله مالکیت و انباشت سرمایه در ایران. تهران: نشر رسانش.
- سیف، احمد. (۱۳۷۳). اقتصاد ایران در قرن نوزدهم. تهران: نشر چشمه.
- سیف اللهی، سیف الله. (۱۳۷۴). اقتصاد سیاسی ایران. تهران: پژوهشکده جامعه پژوهی و برنامه ریزی میزان.
- شمیم، علی اصغر. (۱۳۷۸). ایران در دوره سلطنت قاجار. تهران: نشر مدبر.

پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده

سی‌ام‌وسی‌ویکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

- صفائی، ابراهیم. (۱۳۷۰). نهضت مشروطه ایران بر پایه اسناد وزارت امور خارجه. تهران: نشر وزارت خارجه.
- عباسی، ابراهیم. (۱۳۸۳). دولت پهلوی و توسعه اقتصادی. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- عظیمی، حسین. (۱۳۷۴). مدارهای توسعه نیافتگی در اقتصاد ایران. تهران: نشر نی.
- عیسوی، چارلز. (۱۳۶۹). تاریخ اقتصادی ایران (دوره قاجاریه ۱۳۳۲-۱۲۱۵ق). ترجمه: یعقوب آژند. تهران: نشر گسترده.
- فوران، جان. (۱۳۷۷). مقاومت شکننده: تاریخ تحولات اجتماعی ایران از سال ۱۵۰۰ میلادی مطابق ۸۷۹ شمسی تا انقلاب اسلامی. ترجمه: احمد تدین. تهران: نشر خدمات فرهنگی رسا.
- فیالکوف، یانکل. (۱۳۸۳). جامعه‌شناسی شهر. ترجمه: عبدالحسین نیک‌گهر. تهران: نشر آگه.
- قائم مقامی، جهانگیر. (۱۳۵۹). نهضت آزادیخواهی مردم فارس در انقلاب مشروطیت ایران. تهران: نامشخص.
- مروارید، یونس. (۱۳۷۷). از مشروطه تا جمهوری، نگاهی به ادوار مجلس قانونگذاری در دوران مشروطیت. تهران: اوحدی.
- معدل، منصور. (۱۳۸۲). طبقه، سیاست و ایدئولوژی در انقلاب ایران. مترجم: محمد سالار کسرای. تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران.
- ملائی توانی، علیرضا. (۱۳۸۱). مشروطه و جمهوری: ریشه‌های نابسامانی نظم دموکراتیک در ایران. تهران: نشر گسترده.
- نقیب‌زاده، احمد. (۱۳۷۹). دولت رضاشاه و نظام ایلی. تهران: نشر مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- ویر، ماکس. (۱۳۶۹). شهر در گذر زمان. ترجمه: شیوا (منصوره کاویانی). تهران: شرکت سهامی انتشار.
- وطنخواه، مصطفی. (۱۳۸۰). موانع تاریخی و توسعه نیافتگی در ایران. تهران: نشر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- همایون کاتوزیان، محمدعلی. (۱۳۸۰). تضاد دولت و ملت، نظریه تاریخ و سیاست در ایران. ترجمه: علیرضا طیب. تهران: نشر نی.
- همایون کاتوزیان، محمدعلی. (۱۳۷۷). نه مقاله در جامعه‌شناسی تاریخ ایران، نفت و توسعه اقتصادی. ترجمه: علیرضا طیب. تهران: مرکز.
- همایون کاتوزیان، محمدعلی. (۱۳۷۲). اقتصاد سیاسی ایران از مشروطیت تا پایان سلسله پهلوی. ترجمه: محمدرضا نفیسی، کامبیز عزیزی. تهران: نشر مرکز.

منابع اینترنتی:

http://www.iichs.org/index.asp?id=93&doc_cat=1

<http://www.pajooh.com/fa/index.php?Page=definition&UID=38734>

<http://www.afkarenow.com/web/mataleb/Nazariyeha%20.htm>